

بررسی تطبیقی نقش دیوارنگاره دوره هخامنشی کاخ شاور

فاطمه محسنی*

چکیده

بررسی تاریخی - هنری و تطبیقی انجام شده بر روی دو قطعه نقاشی روی گل دوره هخامنشی که در یکی از اتاقهای قلعه شوش نگهداری می شد نشان داد که این دو قطعه اولین نقاشی های بدست آمده از دوره هخامنشی هستند که بر روی دیوار خشتی کاخ هخامنشی شاور (اردشیر دوم) اجرا شده اند. به منظور رسیدن به چرایی نقوش و محتوای آن ابتدا بررسی هایی در خصوص جزئیات نقوش صورت گرفت و در نهایت به ارتباط نقشها پرداخته شد. حاصل این مطالعات شناسایی نقوش و موضوعات تصاویر است.

واژگان کلیدی: نقاشی دیواری، نقاشی روی گل، دوره هخامنشی، شاور، اردشیر دوم.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده است.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد حفاظت و مرمت از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - مسئول بخش حفاظت و مرمت کاخ نیاوران.

E-mail: Fatima.mohseni@yahoo.com

درآمد

دوره هخامنشی یکی از درخشان ترین دوره ها در طی تاریخ هنر ایران است. در این دوره با توجه به تشکیل امپراطوری بزرگ هخامنشی و توانمندی سیاسی و اقتصادی که بویژه در دوره پادشاهی کوروش و داریوش بدست آمده بود؛ زمینه‌ای مساعد برای رشد و اعتلای هنر در ابعاد مختلف پدیدار گشت. هنر در این دوره هنری درباری است که تأثیرات زیادی از هنر و اقوام و ملل مختلف پذیرفته است. نکته شایان ذکر این است که نفوذ و تأثیر هنر بیگانه چه در زمینه معماری و چه در زمینه سایر هنرها، تقلید صرف نبوده بلکه، با در آمیختن با هنرهای بومی رنگ و بوی ایرانی بخود گرفته است. بطور کلی هنر هخامنشی هنری است شاهانه و دارای عظمت و جلال در مواد و مصالح ساختمانی، اندازه‌ها و رنگ تزئینات بعمل آمده (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۴).

بطور خلاصه تزئینات وابسته به معماری این دوره شامل حجاری و نقوش برجسته، آجرهای لعابدار با نقوش متنوع، نقاشیهای دیواری تزئینی با عناصر هندسی و رنگهای لعابی، رنگ آمیزی ستونها، رنگ آمیزی کف و غیره است. طبق آثار بدست آمده نقوش برجسته و حجاریهای کاخهای هخامنشی با رنگهای متنوع رنگ آمیزی می شده‌اند که حالتی شبیه به نقاشیهای دیواری برجسته را ایجاد می کند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

رنگ آمیزی ستونهای سنگی نیز از دیگر تزئینات کاخهای هخامنشی بوده است. برای مثال در آپادانای شوش مجموع ستونها به رنگ زرد روشن رنگ آمیزی شده بودند بطوری که نه تنها ظاهری شبیه مرمر به سنگ‌ها میداده بلکه نقایص سنگهای آهکی را که از کوه‌های بختیاری به این مکان حمل می شدند؛ می پوشانید. رنگ آمیزی و نقاشی‌های تزئینی بر روی ستونهای چوبی نیز مرسوم بوده است. محققین عقیده دارند که روی ستونهای چوبی را ابتدا با لایه‌ای از الیاف گیاهی نظیر کنف پوشانده و سپس بر روی آن اندودی از گچ اجرا کرده است و نهایتاً سطح گچی آماده شده را بوسیله رنگهای مختلف تزئین می نمودند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱).

از بازمانده کاخ شاهان هخامنشی در «برازجان» نیز آثاری از

رنگ آمیزی ستونها و پایه ستونها بدست آمده است. همچنین در این کاخ‌ها، کف بنا بوسیله ملات سبز رنگی اندود شده است. از دیگر نمونه‌های اندود رنگی می توان به کف کاخ تچر در تخت جمشید اشاره کرد که با ملات قرمز رنگی فرش شده است. داریوش بزرگ در یکی از کتیبه های کاخ هخامنشی شوش، جزئیات تزئینات و نقاشی کاخ‌ها و کارگران ملل مختلفی که در ساختن آن شرکت نموده‌اند را شرح داده است. از سنگ نوشته‌های هخامنشی می توان دریافت که کاخهای باشکوه ساخته و پرداخته به فرمان پادشاهان هخامنشی، به دست هنرمندان و کارگرانی بنا شده‌اند که از گوشه و کنار کشور به طرف مرکز حکومت گرد آمده اند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۵۱).

کاخ شاور

کاخ شاور بنا بر گزارشات باستانشناسی یکی از کاخهای هخامنشی در دوره مرکزیت شوش به عنوان پایگاه هخامنشی بود. کتیبه ای در سال ۱۸۵۲ م توسط لوفتوس با متن زیر از این کاخ به دست آمده است:

«اردشیر، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه مردمان، شاه روی این زمین، پسر داریوش شاه. داریوش پسر اردشیر شاه، اردشیر پسر خشایار شاه، خشایار شاه پسر داریوش شاه، داریوش پسر ویشناسپه هخامنشی می گوید: داریوش جد من این آپادانا را ساخت؛ سپس در زمان پدر بزرگم اردشیر، آپادانا سوخت. حال به خواست اهورامزدا، آناهیتا و میترا، من فرمان به بازسازی آپادانا دادم. اهورامزدا، آناهیتا و میترا مرا در برابر تمام بدیها بپایند و نیز آنچه را انجام دادم...» (sevn.blog.com).

کتیبه فوق جای گفتگو باقی نمی گذارد که آپادانای داریوش در زمان خشایار شاه آتش گرفته و نواده او اردشیر دوم دستور به بازسازی آن داده است. این احتمال که خارج از سکو، عمارت سلطنتی دیگری وجود داشته و پیش از مرمت آپادانا اقامتگاه اردشیر دوم بوده باشد؛ وجود دارد. احتمالاً در زمانی که کاخ داریوش مرمت می شده، کاخی به عنوان اقامتگاه موقت اردشیر دوم در شوش مورد استفاد قرار گرفته که بر اساس نظریه باستانشناسان این کاخ همان شاور است. در پی حفاری‌های

است. به همین علت می‌توان تصور کرد که مانند تالار گنجینه و حرمسرای تخت جمشید، ستونهای کاخ شاورر نیز چوبی بوده و روی آن را با قشر ضخیمی از گچ اندود کرده و سپس روی این گچ را جهت هماهنگی با دیوارها با رنگ زینت داده‌اند مانند ستونهای تچر داریوش. پراکندگی پوسته‌های رنگی سبز اطراف ته‌ستونهای کاخ شاورر در هنگام کاوش این نظر را تأیید می‌کند. لازم به یادآوری است که بقایائی از این رنگ بر روی سرستونهای آرامگاه داریوش در نقش رستم نیز دیده شده است. پایه ستونهای مکشوفه مدور یا چهارگوش‌اند. تزئینات پایه ستونهای مدور عبارت است از گلهایی که گرداگرد آن تکرار شده و دارای برگهای برجسته است (شکل ۶). از این نوع پایه‌ستونهای مدور به اندازه‌های مختلف در مدخل شمالی و غربی آپادانا، تالار صدستون، کاخ خشایارشا، حرم و پائین صفا تخت جمشید وجود دارد (کردوانی، ۱۳۵۵: ۷۵-۷۲).

آجر فرش های منقوش

کف کاخ شاورر با آجرهای مربعی که پوششی از گچ داشته‌اند؛ مفروش شده است (شکل ۷). دو نوع از این آجر فرشها بدست آمده‌اند. برخی از این آجرها دارای نقش شیرند مانند آجرهای بزرگ با نقش شیر که از پائین صفا تخت جمشید نیز به دست آمده است (کردوانی، ۱۳۵۵: ۷۰). (شکل ۸).

آجر های لعابدار

آجرهای لعابدار نزدیک یک درگاه و در زاویه شمال و جنوب راهرو بدست آمده‌اند. مشابه حاشیه‌های تزئینی^۶ روی این آجرهای لعابدار، از کاخ داریوش کشف شده است (کردوانی، ۱۳۵۵: ۷۷).

نقوش برجسته سنگی

از مهمترین نقوش مکشوفه سنگی، نقش برجسته‌ای است که دو نفر را در حال بالا رفتن از پلکانی نشان می‌دهد. این دو نفر یکی در سمت راست و دیگری در طرف چپ قرار دارد. این نقش در مجاورت یکی از دیوارهای کاخ قرار داشته و حائز اهمیت بسیار

۶- مثلث‌ها، گلها، نوارهای زنجیری و نوک یک سرنیزه.

دهه شصت و هفتاد میلادی به سرپرستی ژان پرو^۱ بقایای کاخی بر ساحل غربی رودخانه شاورر کشف^۲ و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ توسط هیأت مشترک ایران و فرانسه کاوش شد. این کاخ به دلیل همجواری با رود مزبور، شاورر^۳ نامیده شد (کردوانی، ۱۳۵۵). رودخانه شاورر^۴، یکی از سه رود مهمی است که در شمال استان خوزستان و در دشت شوش جریان دارد (نقشه های ۲ و ۳).

این بنا به نسبت مجموعه کاخهای واقع بر تپه آپادانا، ابعاد چندان بزرگی ندارد^۵ و در ۳۵۰ متری غرب آپادانا واقع شده است (نقشه ۴).

تزئینات کاخ شاورر

قبل از انجام مطالعات تطبیقی نقاشی‌ها به بررسی تزئینات مختلف این کاخ و شباهتهای آن با تزئینات دیگر کاخهای هخامنشی می‌پردازیم. علت مطالعات تطبیقی تزئینات بدست آمده از کاخ شاورر با تزئینات معماری در تخت جمشید این است که در نوع نقوش و تزئینات به کار رفته در این دو محوطه گونه‌ای بررسی صورت گیرد تا مشخص گردد که در فاصله زمانی حکومت اردشیر دوم با پادشاهان گذشته هخامنشی که تخت جمشید مقر حکومتیشان بوده، آیا نقوش دارای تغییرات خاصی بوده‌اند و آیا نقوش و تزئینات مشابه تخت جمشید در کاخ شاورر نیز بچشم می‌خورد یا خیر؟

پایه ستونها

آنچه که از کاوشهای کاخ شاورر به دست آمده فقط ته‌ستونهای سنگی است. مسلماً بدنه ستونها سنگی نبوده زیرا هیچگونه اثری از ستونها و سرستونهای سنگی ضمن حفاریات مشاهده نگردیده

^۱ - Jean Perrot

۲- ۱۹۶۸ میلادی

۳- شاورر را برخی شاه هور یا شاهپور نیز نامیده‌اند. در لغت نامه دهخدا شاورر صورتی از کلمه شاپور آمده است (دهخدا، سال؟، جلد؟، صفحه؟).

۴- این رودخانه در جهت شمال به جنوب به موازات جاده ترانزیتی اندیشک به اهواز جریان دارد.

۵- ۳ هکتار

بوشارلا و لبروس^۷ در گزارش حفاری کاخ شاور شوش،^۸ به کشف این نقاشیها اشاره نموده اند: «این نقاشیها تقریباً ارتفاع ۸۰ سانتیمتری از دیوار سالنهای ۳۰۱، ۳۸۹، ۴۳۶ کاخ شاور (نقشه شماره ۱-۲) را می پوشانده اند. قسمتی از رنگ آبی نقاشی (تصویر ۲-۴) در سالن ۴۳۶ در زمان کشف هنوز به دیوار چسبیده بود. قطعات زیادی از نقاشی در حالی که رو به زمین افتاده بودند؛ پیدا شده و یک قشر خاک حدوداً ۲ تا ۴۰ سانتی متر روی آنها را گرفته بود (تصویر ۲-۵). رنگهای بکار رفته در نقاشیها عبارتند از قرمز، آبی، سیاه و سفید» (Labrousse & Boucharlat, 1974: 83).

طبق تصاویر موجود در گزارش حفاری باستانشناسان فرانسوی از حفاریهای کاخ شاور، نقاشی های بدست آمده با موضوع انسانی شامل سه قطعه بودند که تصاویری از سه نیمرخ تا گردن یا شانه همراه با تصاویر دیگر بوده است که در ادامه به ارائه جزئیات نقوش می پردازیم:

نقاشی شماره ۱

تصویر نیمرخ بدون کلاه: از این نقاشی مدارک زیادی در دست نیست و متأسفانه موفق به پیدا کردن آن در مخازن قلعه شوش نشدیم (شکل ۱). تنها اطلاع موجود، طرحی خطی از آن در گزارش باستان شناسان فرانسوی بوده است (Labrousse & Boucharlat, 1974: Fig. 6-2).

نقاشی شماره ۲

این نقاشی به ابعاد ۵۹ × ۳۹ سانتیمتر بوده و نیمرخ با کلاهی شبیه به کلاه مادی به رنگ قرمز و شکلی شبیه به درخت با فاصله کمی در پشت سردر، زیر کادری با حاشیه مثلث و دایره همراه با دایره کوچک مرکزی درون آن است. نوعی قلمگیری در نقوش به چشم می خورد (تصاویر ۱ و ۲ و تصویر رنگی ۱۷، شکل ۲ و شکل ۹).

است. نقش سمت راست شخصی را نشان می دهد که لباس چین دار بلندی از نوع لباس پارسیان دربردارد و یک نوع سینی را بر روی دوش خود حمل می کند. انتهای سینی که در پشت سر قرار دارد به نقش سر مرغابی مزین است. این نوع سینی در نقوش پلکان تخت جمشید مشاهده می گردد و از آن جهت حمل مشک آب استفاده می شده است. از نقش سمت چپ که سخت آسیب دیده فقط لباس کوتاه که تا زانو ادامه دارد و یک خنجر مادی بسته شده به کمر، مشخص است (تصویر ۴). نقش برجسته مذکور، نقوش خدمتگزاران پارسی و مادی پلکان آپادانای تخت جمشید را به بیننده القا می کند. نقش برجسته دیگر تصویر نیزه داری است که کمی از اندازه طبیعی کوچکتر حجاری شده و نیزه ای در دست وی قرار دارد که از انتهای آن چین لباس شخص دیده می شود. از این نوع نقش برجسته قبلاً در شوش یافت شده است (کردوانی، ۱۳۵۵: ۸۲-۷۹). (تصویر ۵).

تزئینات رنگی

رنگهای مختلف سبز آبی زمینه رنگی نقوش بوده که از ارتفاع ۸۰ سانتیمتری اتاقهای ۳۰۱-۳۸۹-۴۳۶ آثاری از این رنگها در زاویه شمال غربی تالار ستون دار بدست آمده و تزئینات از رنگهای آبی، قرمز، سفید و سیاه تشکیل شده است. به نظر می رسد که در مرحله اول دیوارها را رنگ کرده و سپس نقوش را اجرا نموده اند (تصویر ۶). از جمله نقوش بدست آمده نقش گلبرگها و سه سر انسان به ابعاد واقعی است.

معرفی نقاشی دیواری کاخ شاور

در یکی از اتاقهای قلعه شوش دو قطعه نقاشی همراه با اطلاعاتی با عنوان نقاشی روی گچ از دوره ساسانی نگهداری می شد (نقشه ۱). پس از بررسی جزئیات تصاویر و شکل پوششهای نقوش، که با توجه به لایه های گلی بعد از بخش تکیه گاه گچی (به دلیل شکل ظاهری و شیوه اجرای مرمتی)، قطعات بطور حتم بخشی از تزئینات معماری گلی بوده اند؛ قدمت آنها به دوره هخامنشی تخمین زده شد. گزارشات کاوش محوطه های هخامنشی شوش مورد مطالعه قرار گرفتند و مشخص گردید که

^۷ Remy Boucharlat & Audran Labrousse-

^۸ Delegation Archeologique Francaise en Iran 2-

نقاشی شماره ۳

حفاری^۹ فرم کلی یک درخت را القا می کند. بدنه عمودی با شاخه های پراکنده قرمز رنگ با زمینه آبی و شکل کلی محدوده برگها به رنگ سفید نمایش داده شده است (شکل ۱۲، وسط و تصویر رنگی ۱۹). در نقوش آورندگان هدایا در تخت جمشید، فواصل گروهها توسط درخت سرو جدا شده است. همانطور که در شکل ۱۲ مشاهده می شود بدنه ی عمودی با شاخه های پراکنده، فرم درخت سرو را در مقایسه با نقوش سنگی درخت سرو در تخت جمشید مشخص می سازد.

این نقاشی به ابعاد 48×58 سانتیمتر بوده و نیمرخ است با پوشش عمامه ای سفیدرنگ و خط چین قرمز که تا شانه ادامه پیدا کرده با لکه های قرمز رنگ نامشخص در پشت سردر زیر کادر مستطیل که درون آن تصاویر دو مثلث به چشم می خورد؛ این نقاشی نیز قلمگیری شده است (تصویر ۳ و تصویر رنگی ۱۸، شکل های ۳، ۴ و ۵).

مطالعات تطبیقی نقاشی های کاخ شاورور

بر اساس مطالعات انجام شده بر روی تزئینات، تشابه زیادی در نقوش و حتی رنگهای بکار رفته مشاهده شد. بنابر این به جستجوی تصاویری مشابه نقاشی های شاورور در تصاویر حجاری های تخت جمشید پرداخته شد. از آنجایی که وضعیت نقاشی ها پس از مرمت دچار تغییراتی شده بود؛ لذا مطالعات تطبیقی بر اساس طرح خطی نقاشی ها در گزارش کاوشگران فرانسوی کاخ شاورور انجام شد و بر این اساس مطالعه بر روی طرح خطی نقاشی های شماره ۲ و ۳ و بر اساس جزئیات نقوش انجام گرفت.

بررسی جزئیات نقوش در نقاشی شماره ۲

این نقاشی شامل سه بخش به شرح زیر است:

۱- حاشیه تزئینی

حاشیه تزئینی این نقاشی که بنظر می رسد کادر این نقاشی بوده شامل تعدادی مثلث در بالا و پائین کادر است که دایره ای با یک نقطه مرکزی در آن قرار داشته و شباهت به گلهای چند پر و یا نیلوفر دارد. این نقش مایه در تصاویر دوره هخامنشی بسیار به چشم می خورد. کادر مثلث در برخی از نقوش آجرهای لعابدار دوره هخامنشی مشاهده می شود که در آن گل چند پر به کار رفته است (شکل ۱۰ سمت چپ). همچنین کادر با گلهای چند پر در بالا و پایین صفوف آورندگان هدایا در تخت جمشید به چشم می خورد (شکل ۱۱).

۲- درخت سرو

خطوط نامنظم در سمت راست، در عکس رنگی هنگام

۳- نیمرخ صورت با کلاه

این تصویر شامل نیمرخ است که در آن صورت تا انتهای بینی و پشت سر، قسمت مو همراه کلاه گرد دنباله دار که دنباله آن تا انتهای مو آمده، نشان داده شده است. جزئیات صورت مشاهده نمی شود و تنها بخش مشخص، کلاه است که به بررسی آن پرداخته می گردد:

پس از بررسی تطبیقی مشخص گردید که این کلاه، شباهت به کلاه گرد دنباله دار مادی دارد (شکل های ۱۳ و ۱۴). کلاه نزد اقوام ماد گذشته از پوشاندن سر و صورت در مقابل گرما و سرما، جنبه آرایشی و نمایشی نیز داشت. جنبه نمایشی آن به ویژه در دوره فرمانروایی این قوم و پارسها بیشتر به چشم می خورد. در طرح های مختلف نقوش برجسته تخت جمشید کاملاً مشهود است که مادها برای نمایش خصوصیات مذهبی، صنفی، یا قومی و نژادی خود، از کلاه استفاده می کردند. در نقوش پلکان کاخ آپادانا در تخت جمشید، شکل های متنوعی از این کلاه مشاهده می شود. این کلاه که تیار، تیارا و یا میتر نامیده می شود؛ نشان دهنده موقعیت طبقاتی دارندگان آن است (تصویر ۷). نگهبانان، اشراف زادگان، سرداران، گماردگان درباری و رئیس نمایندگان خراجگزار چنین کلاهی بر سر دارند (غیبی، ۱۳۸۴: ۱۶۸). از آنجا که پشت این فرد مادی نقش درخت سرو قرار دارد؛ نفر اول یا راهنما یا رئیس نمایندگان نیست. در نقوش ملل باچپرداز، درخت سرو جلوی راهنما قرار داشته و در واقع نقش این درخت شروع و پایان هر گروه است. فرمهای نزدیک به این کلاه هنوز

۹- ارسالی از آقای رمی بو شارلا.

در بخشهایی از ایران مشاهده می شود (تصویر ۸).

باشلق ویژه استفاده می کردند^{۱۱} (غیبی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). در مطالعات تطبیقی، مشابه این کلاه در تصاویر نمایندگان ملل در رژه خراجگزاران^{۱۲} پلکان آپادانا در تخت جمشید در گروه هفتم به چشم می خورد (شکل ۱۹، ۲۰ و ۲۱ و شکل رنگی ۲۰).

بررسی جزئیات نقوش در نقاشی شماره ۳

این نقاشی نیز شامل سه بخش به شرح زیر است:

۱- حاشیه تزئینی

نوار باریک کادر با دو مثلث کوچک درون آن. این کادر همانطور که قبلاً گفته شد در آجرهای لعابدار کاخ داریوش و نقوش مختلف دوره هخامنشی بصورت حاشیه مشاهده شده است (شکل ۱۵).

۲- لکه های قرمز رنگ نامشخص

لکه های قرمز رنگ فرم نامشخص داشته و به تنهایی قابل تشخیص نیستند. احتمالاً این نقش مربوط به نوعی ظرف است (شکل ۱۶).

۳- نیمرخ صورت تا شانه

در این نقش در قسمت صورت تنها چشمها و بخشی از بینی دیده مشاهده می شود. مشخص ترین بخش پوشش سر است که صورت و سر را پوشانده و به مانند عمامه ادامه آن بطرف صورت تا روی چانه و شانه آمده است (شکل ۱۷ و ۱۸). بر اساس مطالعات، این پوشش نوعی از کلاه مادی به نام باشلق است (تصویر ۹) که انواع مختلف آن در میان مادها، ارامنه، پارتها و مردم قفقاز رایج بوده و هنوز هم نوع پوستی آن در سرما مورد استفاده تاتارها، ترکمنها و قزاقها قرار می گیرد. این همان کلاهی است که اروپاییان آن را فریجین^{۱۳} نامیده اند. باشلق از جنس نمد یا کتان بوده و در جلو برگشته و قسمت بالای آن معمولاً نوک تیز و بلند بوده و به شکل کیسه مخروطی به عقب یا جلو برمی گردد. در قسمت پشت دنباله کوتاهی که گردن، و در دو طرف نیز دو تکه ی اضافی گوشها را می پوشاند. این کلاه در زمان هخامنشیان به تقلید از مادها رواج یافت. خدمه از آنجا که فاصله کمی نسبت به پادشاه داشتند؛ برای جلوگیری از ریزش آب دهان یا موی سر و یا دمیده شدن نفس، از نوعی

برآیند

بر اساس مطالعات تطبیقی انجام شده بر روی جزئیات نقوش، به نظر می رسد که نقوش بدست آمده از تالار اصلی کاخ شاور مشابه نقش هفتمین هیأت نمایندگی گروه خراجگزار تخت جمشید در آپادانا و پلکان های ایوان شرقی هستند. در پلکانهای شمال و شرق آپادانا، تصاویر پارسیها و مادیها که برای بار نوروزی به دربار آمده اند به همراه دو ردیف از نگهبانان نقش شده و روبروی آنها نمایندگان اقوام شاهنشاهی با پیشکش های نوروزیشان برای شاه مشاهده می شوند. افراد این گروه بوسیله یک راهنمای مادی معرفی می گردد که کلاه مادی میتر بر سر و طوقی بر گردن دارد^{۱۴}. نقوش (اشاره به نقش گروه هفتم در نقوش تخت جمشید) به هم نزدیکترند و از نظر حالت بالای کلاه با نقش ۲ اندکی تفاوت دارند. در نقش شماره ۲ خط کلاه در اطراف چانه از پایینترین قطعه آن که در پشت قرار دارد؛ متمایز است. هدیه نفر اول یک جفت پیاله است و نفر آخر مهتری با یک شتر دو کوهانی است. نفر چهارم که نقشی آسیب دیده است پوست حیوانی را حمل میکند (والزر، ۱۳۵۲: ۱۳۰).

کاخ شاور یکی از کاخهای هخامنشی است که به گفته باستان شناسان احتمالاً در زمان مرمت کاخ آپادانای شوش، جهت استقرار اردشیر دوم ساخته شده است. با وجود اینکه این کاخ کوچکتر از کاخهای دیگر بوده، ولی به لحاظ تزئینات قابل مقایسه با کاخهای تخت جمشید است. با توجه به موارد بررسی شده در تالار اصلی، احتمالاً نقوش ملل خراجگزار بر روی دیوار خشتی وجود داشته که دچار تخریب شده است.

۱۱- پنام بستن زرتشتیان در مقابل آتش مقدس از رسم کهن باشلق بر سر نهادن خدمه در بار هخامنشی سر چشمه می گیرد (غیبی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

۱۲- ملل تحت حاکمیت امپراتوری هخامنشی که هدایایی را به پادشاه تقدیم میکنند.

۱۳- به نظر می رسد که کلاه و طوق از امتیازات و یا نشانه های رتبه و مقام بشمار می رفته و ویژه نجای دریاری بوده است.

۱۰- این کلاه در فرانسه به کلاه سرخ آزادی مشهور است

۷- کتیبه دیوان خشایار شاه (والزر، ۱۳۵۲: ۳۶).

باستان شناسان افراد هفتمین گروه را متعلق به ایران شرقی دانسته اند. استان هرهوواتیش، یعنی آراخوز یا رخج دره هیرمند، در جنوب هندوکش و یا هراتی هرایوا یعنی آریا، هرات، ناحیه ی دره هری رود که از هندوکش به سوی مغرب جاری بود. مرکز این استان هرات بوده است. باستان شناسان این گروه را بیشتر آراخوزی می دانند (والزر، ۱۳۵۲: ۷۹-۷۸).

برای تشخیص گروههای ملل در تخت جمشید به کتیبه های زیر می توان مراجعه نمود:

- ۱- کتیبه بیستون همراه با نقوش برجسته شاهان
- ۲- کتیبه دیوار جنوبی تل تخت، در تخت جمشید
- ۳- کتیبه تنگه سوئر
- ۴- الواح سنگی زیربنای تخت جمشید و همدان
- ۵- کتیبه آرامگاه داریوش در نقش رستم
- ۶- کتیبه داریوش در شوش

منابع

الف) فارسی

والزر، گرلد، ۱۳۵۲، نقوش اقوام شاهنشاهی هخامنشی بنابر حجاریهای تخت جمشید، ترجمه دورا اسمودا خوبنظر با همکاری شاپور شهبازی، تهران، انتشارات دانشگاه پهلوی.

سرافراز، علی اکبر، فیروز مندی، بهمن، (۱۳۸۱)، باستانشناسی و هنر دوره تاریخی ماد هخامنشی اشکانی ساسانی، تهران، انتشارات عفاف.

غیبی، مهر آسا، ۱۳۸۴، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

ب) غیر فارسی

Labrousse, A., & Boucharlat, R., 1974, La fouille du palais du Chaour à Suse en 1970 et 1971, DAFI 2, pp. 61-167.

کردوانی، محمود، ۱۳۵۵، کاخ هخامنشی شاور، کاوشهای سال ۷۲-۱۹۷۱ میلادی در شوش، تهران.

ج) منابع اینترنتی

www.sevn.blog.com

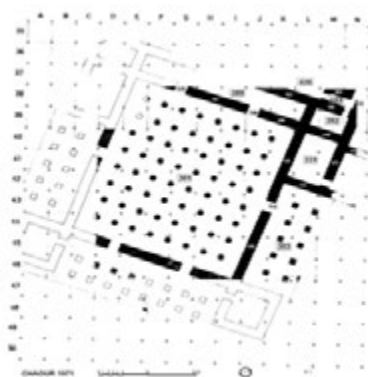
جدول ۱: جدول نظرات باستان شناسان درباره هويت هفتم (والزر، ۱۳۵۲: ۱۷۱-۱۷۰).

منبع	شماره گروه	۱۹۴۱	هرتسفلد، ۱۹۴۸	اشمیت، ۱۹۵۳	بارنت، ۱۹۵۷	والزر، ۱۳۵۲
	هفتمین	رخجی	هراتی	رخجی؟	رخجی	رخجی یا هراتی

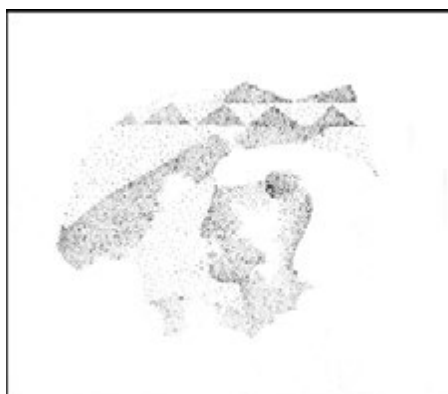
تصاویر



تصویر ۱: وضعیت قرارگیری نقاشی شماره ۲ (Labrousse & Boucharlat, 1974: 162).



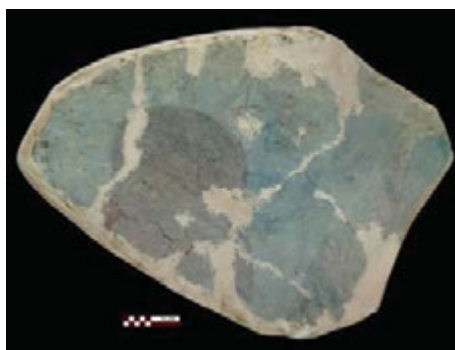
نقشه ۱: موقعیت مکانهای ۳۰۱-۳۸۹-۴۳۶، محل کشف نقاشی ها در کاخ شاور (Labrousse & Boucharlat, 1974: 106).



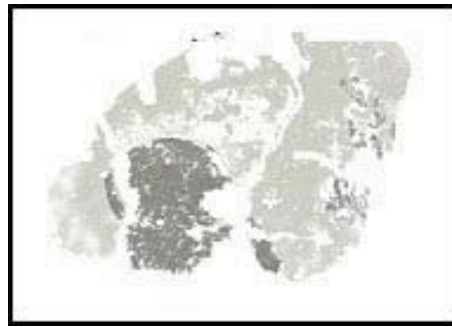
شکل ۱: طرح خطی نقاشی شماره ۱، بدست آمده از کاخ شاور (Labrousse & Boucharlat, 1974: 134).



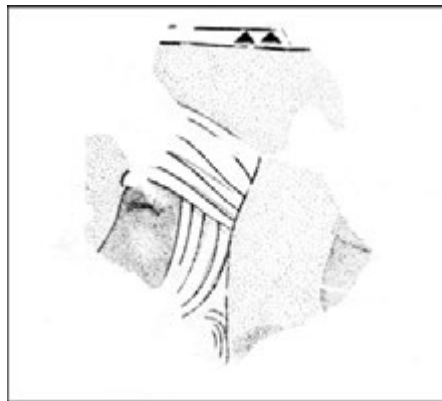
شکل ۲: طرح خطی نقاشی شماره ۲، هنگام حفاری (Labrousse & Boucharlat, 1974: 134).



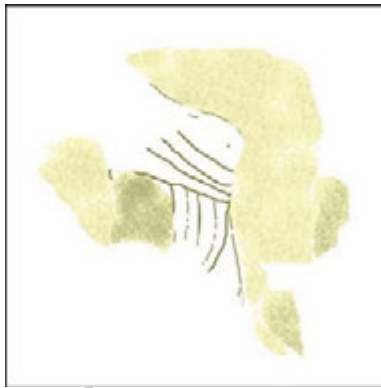
تصویر ۲: نقاشی شماره ۲ در وضعیت کنونی.



شکل ۳: طرح خطی وضعیت کنونی نقاشی شماره ۲.



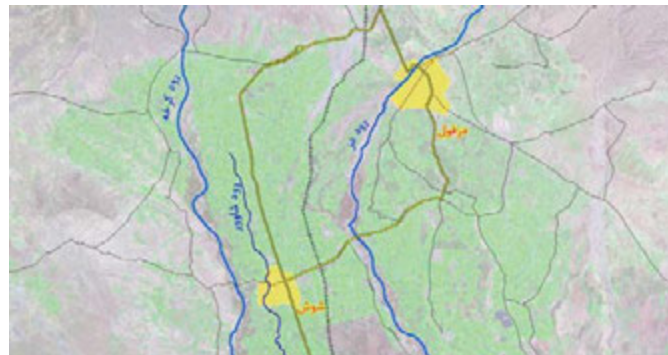
شکل ۴: طرح خطی نقاشی شماره ۳ هنگام حفاری (Labrousse & Boucharlat, 1974: 134).



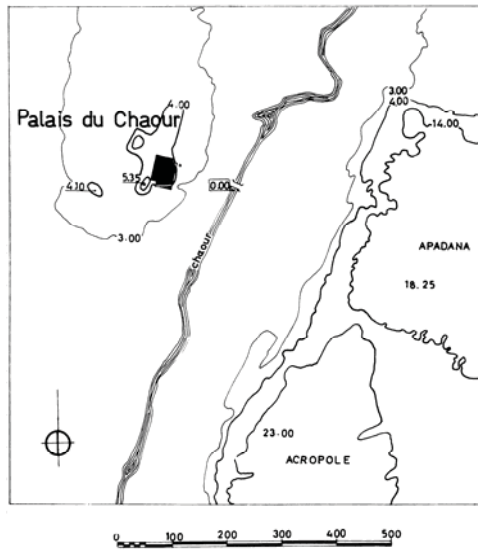
شکل ۵: طرح خطی نقاشی شماره ۳ در وضعیت کنونی.



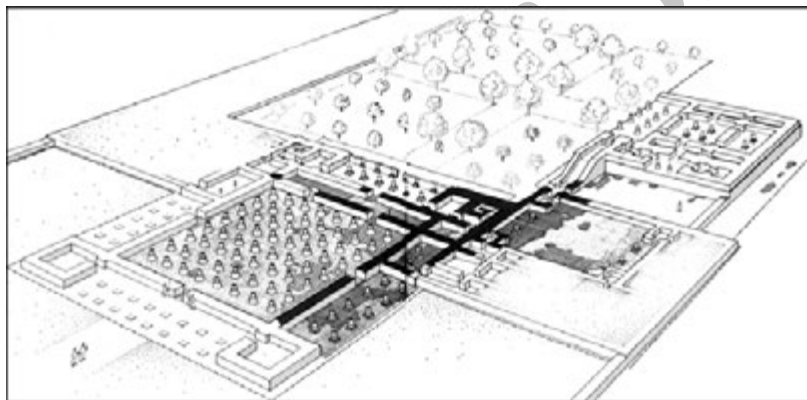
تصویر ۳: نقاشی شماره ۳ در وضعیت کنونی.



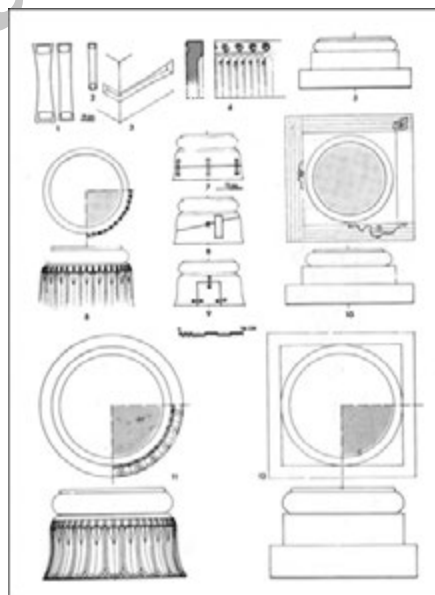
نقشه ۲: موقعیت رودخانه شاور (طراحی: محمدرضا رکنی).



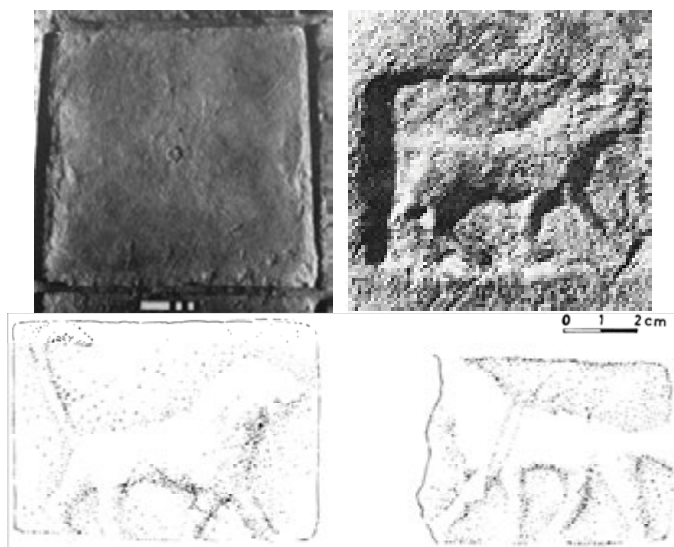
نقشه ۳: موقعیت کاخ آپادانا و کاخ شاور (Labrousse & Boucharlat, 1974: 105).



نقشه ۴: پلان بازسازی شده کاخ شاور (Labrousse & Boucharlat, 1974: 106).



شکل ۶: طرح پایه ستونهای مدور و چهارگوش با جزئیات نقوش و بستهای فلزی (Labrousse & Boucharlat, 1974).



شکل ۷: تصاویری از آجر فرشها و نقوش آنها (Labrousse & Boucharlat, 1974: 135).



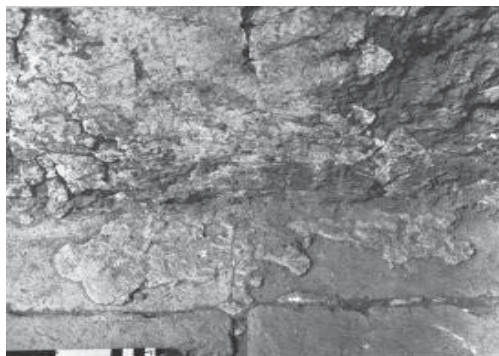
شکل ۸: نقوش آجرهای لعابدار (Labrousse & Boucharlat, 1974: 84).



تصویر ۴: نقش برجسته های سنگی با نقوش انسانی (Labrousse & Boucharlat, 1974: 166).



تصویر ۵: نقش برجسته های سنگی با نقوش گیاهی (Labrousse & Boucharlat, 1974: 165).



تصویر ۶: وضعیت رنگها بر روی دیوار (Labrousse & Boucharlat, 1974: 162).



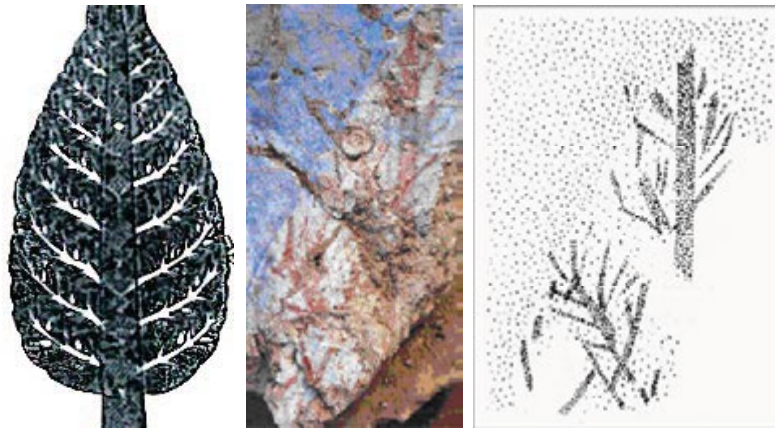
شکل ۹: طرح خطی نقاشی شماره ۲ پس از حفاری (Labrousse & Boucharlat, 1974: 134).



شکل ۱۰: مقایسه نقش گل چند پر یا نیلوفر در نقش شاور (سمت راست) و آجر لعابدار هخامنشی (سمت چپ).



شکل ۱۱: کادر گل چند پر اطراف تصاویر نمایندگان گروههای خراجگزار در تخت جمشید.



شکل ۱۲: مقایسه نقش درخت سرو در تخت جمشید (سمت چپ)، نقاشی شاوور (وسط) و طرح خطی نقاشی شاوور (سمت راست).



تصویر ۷: انواع کلاه مادی (تیارا) در نقوش تخت جمشید.



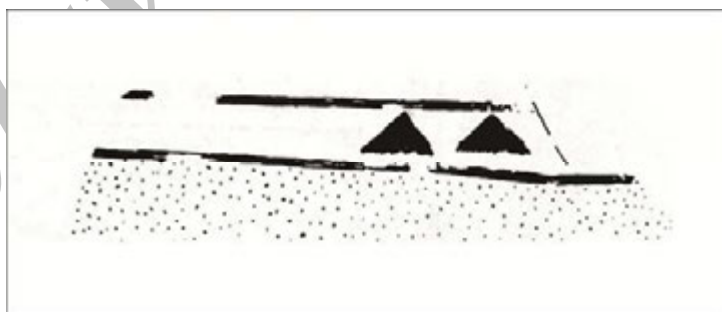
تصویر ۸: کلاه امروز مردمان قشقایی (والزر، ۱۳۵۲: ۱۵۰).



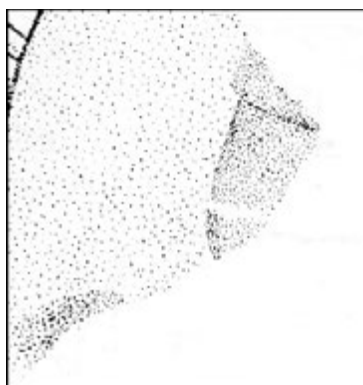
شکل ۱۳: طرح خطی کلاه مادی تیارا در نقاشی شاور.



شکل ۱۴: تطبیق طرح خطی کلاه مادی تیارا در نقاشی شاور با نقش برجسته های تخت جمشید.



شکل ۱۵: مقایسه حاشیه تزئینی مثلث در آجر های لعابدار هخامنشی و نقاشی شاور.



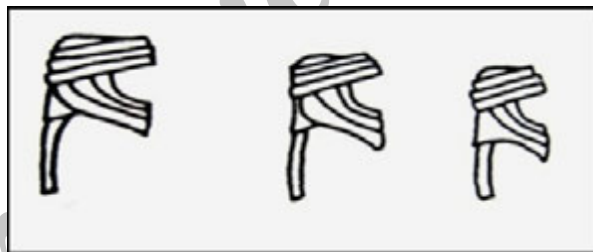
شکل ۱۶: مقایسه طرح خطی لکه های قرمز رنگ (سمت راست) و شکل پیاله ها در نقش گروه هفتم (سمت چپ).



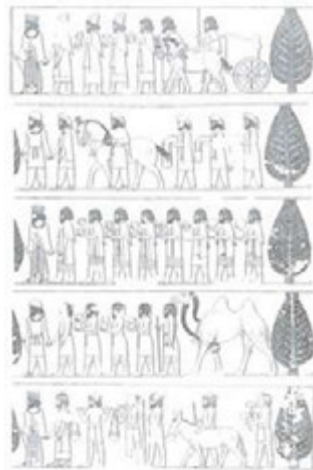
تصویر ۹: انواع کلاه مادی باشلق.



شکل ۱۷: طرح خطی کلاه باشلق در نقاشی شاورور. (Labrousse & Boucharlat, 1974: 134).



شکل ۱۸: طرح خطی کلاه مادی باشلق در نقش هیأت هفتم تخت جمشید.



شکل ۱۹: طرح خطی تصویر برخی هیأت های خراجگزار در تخت جمشید.



شکل ۲۰: تطبیق نقش کلاه باشلق در نقاشی شاور با نفر اول هفتمین گروه نمایندگان در نقش تخت جمشید.



شکل ۲۱: تطبیق طرح خطی کلاه مادی باشلق در نقاشی شاور با نقش گروه هفتم تخت جمشید.